

Ethical Responsibility in the Care of the Elderly within the Framework of Islamic Teachings (Scope and Territory)*

Tala Bazi**, Masood Azarbaijani***

Abstract

The exponential growth of the elderly population in our nation presents an undeniable reality. The lack of awareness regarding the duties and responsibilities that individuals and institutions bear towards the elderly has had a considerable impact on the well-being of the elderly individuals, their families, and society at large. This paper aims to examine the social status of the elderly within the familial institution, as well as the extent and nature of responsibilities borne by children, other individuals, and social institutions, with a particular focus on the government. The investigation draws inspiration primarily from Islamic teachings, with a specific emphasis on narrations from the Ahlul Bayt. The study employs a descriptive-analytical research method, gathering relevant information through comprehensive library research, consultation of reliable sources, and analysis of pertinent books and articles. The findings of this study emphasize the core responsibility of safeguarding the physical, emotional, and spiritual well-being of elderly parents, primarily entrusted to their children, while also acknowledging the shared responsibility of close relatives and institutions. These responsibilities must be undertaken with deep reverence and the preservation of the dignity of the elderly.



Keywords

ethical responsibility, Islamic teachings, elderly care.

* All thanks and appreciation to Astan Quds Razavi Scientific and Cultural Organization for beingsupportive in conducting this research.

** Researcher of Moral Philosophy at Mashhad Islamic Research Foundation, Mashhad, Iran (ResponsibleAuthor).
talabazzi@gmail.com

*** Professor of psychology at the Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran.
Mazarbayejani@rihu.ac.ir



مسئولیت اخلاقی نگهداری از سالمند در آموزه‌های اسلامی (دامنه و قلمرو)* طلا بزی**، مسعود آذربایجانی***

چکیده

افزایش سریع جمعیت سالمندان کشور، واقعیتی انکارناپذیر است. ناآگاهی از وظایف و مسئولیت‌هایی که افراد یا نهادها در برابر سالمندان دارند، تأثیر چشمگیری بر سالمندان، خانواده آن‌ها و جامعه دارد. با توجه به اینکه دامنه و نوع مسئولیت‌ها در برابر سالمندان با نیازهایی که آن‌ها دارند، متناظر است، پس از بحث مقدماتی درباره این نیازها (به‌ویژه در دنیای مدرن و به‌دنبال تغییراتی که در ارزش‌ها، الگوهای رفتاری و معیارهای اخلاقی به وجود آمده است)، جایگاه اجتماعی سالمندان در نهاد خانواده و مقدار و چگونگی مسئولیت فرزندان و افراد دیگر و نیز نهادهای اجتماعی به‌ویژه دولت بررسی می‌شود.

روش تحقیق این مقاله، توصیفی تحلیلی است و اطلاعات موردنیاز با استفاده از روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. منبع اصلی الهام‌بخش این تحقیق

* بدین وسیله از حمایت سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی در انجام این تحقیق تشکر و قدردانی می‌کنیم.

** پژوهشگر فلسفه اخلاق بنیاد پژوهش‌های اسلامی مشهد مقدس، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

talabazzi@gmail.com

*** دانشیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه پردیسان قم و اخلاق پژوهی، قم، ایران.

Mazarbayejani@rihu.ac.ir

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲





آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام است. ابتدا مهم‌ترین نیازهای سالمندان توضیح داده می‌شود و در بخش اصلی مقاله این موضوع تبیین می‌شود که دامنه مسئولیت در قبال سالمندان فراتر از فرزندان آنان است و جهت‌گیری اصلی این مسئولیت‌ها، حفظ کرامت سالمندان و برآوردن نیازهای آن‌ها با این رویکرد است. نتیجه آنکه مسئولیت اصلی یعنی محافظت فیزیکی و حمایت روحی و عاطفی همه‌جانبه از والدین بر عهده فرزندان است. البته نزدیکان و نهادها نیز در قبال سالمندان مسئول‌اند و انجام این مسئولیت باید همراه با تکریم و حفظ حرمت والدین باشد.

کلیدواژه‌ها

مسئولیت اخلاقی، آموزه‌های اسلامی، مراقبت از سالمندان.

مقدمه

برحسب گزارش‌های مرکز آمار ایران، جمعیت سالمندان در ایران، از ۱/۶۳۸/۰۴۲ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۷/۴۱۴/۰۹۱ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. براساس پیش‌بینی مرکز آمار جمعیت افراد شصت‌ساله و بیشتر، در سال ۱۴۱۰ به حدود سیزده میلیون نفر می‌رسد (شورای ملی سالمندان، ۱۳۹۹، ص ۴۹-۴۸). طبق شاخص‌های بین‌المللی، با رسیدن جمعیت سالمندان کشور به ۱۴ درصد، ایران در سال ۱۴۱۰ رسماً کشوری سالمند محسوب خواهد شد.

آسیب‌های اجتماعی مجرد قطعی، طلاق و تأخیر در ازدواج و فرزندآوری و نیز شمار زوج‌های نازا، بدون فرزند یا کم‌فرزند، افزایش چشمگیری یافته است و این آسیب‌ها در کنار دیگر تغییرات سبک زندگی مدرن (از جمله رشد شهرنشینی و زندگی خانوارهای هسته‌ای در آپارتمان‌های کوچک)، باعث افزایش شدید شمار سالمندان تنها یا کاهش شدید اطرافیان اکثر سالمندان شده است؛ به‌گونه‌ای که

ظرفیت‌های فرهنگ سنتی ملی و دینی ما با زیرساخت‌های موجود، دیگر پاسخ‌گوی نگهداری این میزان زیاد از سالمندان تنها، نخواهد بود. با توجه به اینکه تکریم و احترام به سالمند بخشی از فرهنگ ایرانی اسلامی کشور ماست، لازم است ارتقای سطح فرهنگی جامعه درباره پدیده سالمندی در اولویت قرار گیرد (شورای ملی سالمندان، ۱۳۹۹، ص ۶).

با توجه به اینکه مسئولیت اخلاقی یکی از مهم‌ترین موضوعات و مباحث در روابط بین انسان‌هاست، درک ما از توانایی‌ها و ناتوانی‌های فرد در این دوره به ما کمک می‌کند از وضعیت، مشکلات، مسائل و جایگاه دوره سالمندی آگاه شویم. همچنین ما را در رسیدن به درک درستی از روحیات آنان یاری می‌دهد تا بهتر بتوانیم پاسخ‌گوی نیازهای سالمندان باشیم، از امکانات و فرصت‌های متناسب با شرایط عمومی آنان مطلع شویم و از عواملی که کیفیت زندگی‌شان را کاهش می‌دهند، اجتناب کنیم (معتمدی، ۱۳۹۹، ص ۲۷).

در بررسی پیشینه تحقیق مشخص شد تاکنون مطالعه‌ای به بررسی مسئولیت اخلاقی نگهداری از سالمندان در آموزه‌های دینی پرداخته است. شمسی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه *مسئولیت اخلاقی فرزندان و والدین با تأکید بر قرآن و روایات* به بررسی مسئولیت اخلاقی متقابل والدین و فرزندان در قرآن و روایات پرداخته و در پایان هر فصل به دامنه مسئولیت متقابل والدین و فرزندان اشاره کرده است. شهریاری‌پور (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «جامعه‌شناسی مسئولیت اخلاقی»، خاستگاه جامعه‌شناختی مسئولیت اخلاقی انسان را بررسی کرده و ارزانی (۱۳۹۲) در مقاله «مسئولیت اخلاقی فرزندان در برابر والدین در قرآن و عهدین» با تکیه بر قرآن مجید و کتاب مقدس، تکالیف و مسئولیت‌های اخلاقی فرزندان را در مقابل والدین واکاوی کرده است. نوری و فارسی (۱۳۹۷) در مقاله «انتظارات سالمندان از فرزندان خود»، از نقش حیاتی نهاد خانواده در برآوردن انتظارات و رفع دغدغه‌های سالمندان و به دنبال آن، بهبود کیفیت وضعیت جسمانی و روانی آنان سخن گفته‌اند. اصغرپور





و معارفی (۱۳۹۹) در مقاله «جایگاه سالمندان و نحوه تعامل با آنها در روایات اهل بیت (علیهم السلام)»، جایگاه سالمندان و نحوه تعامل با آنها را براساس روایات اسلامی تبیین کرده‌اند. نوآوری تحقیق پیش رو در طرح مهم‌ترین نیازهای اساسی سالمندان و بررسی دامنه و قلمرو مسئولیت اخلاقی فرزندان و نهادهای اجتماعی در قبال سالمندان، با تکیه بر آموزه‌های دینی و با هدف ارتقای سطح فرهنگی جامعه و تقویت حمایت‌های اجتماعی از پدیده سالمندی است.

مفهوم لغوی سالمندی (پیری)

از نظر لغوی، پیر ساخت دیگری از واژه پدر است. ریشه این واژه در پهلوی (پیترا)، با ساخت‌های «پیترا»، «پدر» و «سرانجام»، «پیر» به فارسی دری رسیده است. پدری در آیین‌های ایرانیان باستان، به‌ویژه آیین مهر، برترین مقام در پیشوایی شمرده می‌شده است (معتمدی، ۱۳۹۹، ص ۹).

در برخی از متون، دوره کهنلت، حد فاصل بین دوره شباب (جوانی) و شیخوخت (پیری) دانسته شده که دوره سنی ۳۰ یا ۳۴ سال تا ۵۱ سال را در بر می‌گیرد (تهرانی، بی تا، ص ۷۸)، در حالی که استنباط ما از کلمه کهن سالی مربوط به دوره آخر زندگی است. کلمات معمر (سال خورده) و عجوزه (پیرزن)، کبیر (بزرگ سال)، الشیب (پیر)، الشیخ (سال خورده) و الهرم (پیری زیاد، نهایت سن پیری) از واژه‌های معادل پیری در عربی به شمار می‌روند (معتمدی، ۱۳۹۹، ص ۹-۱۱).

تعاریف متنوعی براساس دیدگاه‌های مختلفی از سالمندی ارائه شده است. چهار دیدگاه در این زمینه وجود دارد که عبارت‌اند از: دیدگاه تقویمی^۱، دیدگاه زیست‌شناختی^۲، دیدگاه روان‌شناختی^۳ و دیدگاه جامعه‌شناختی^۴.

1.Chronological
2.Biological
3.Psychological
4.Sociological

سالمندی از دیدگاه تقویمی

سن تقویمی براساس سن شناسنامه‌ای فرد مشخص می‌شود. در کشورهای توسعه یافته، ۶۵ سال و بیشتر را سن سالمندی در نظر گرفته‌اند. استفاده از سن، راحت‌ترین راه ارائه تعریف سالمندی و پیری است؛ ولی سن تقویمی در بسیاری از موارد شاخص معتبری نیست و برای ارائه تعریف کامل از سالمندی باید این پدیده را از ابعاد و جنبه‌های گوناگون مورد توجه قرار داد. سالمندشناسی، فرایندهای پیری را از جنبه‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نیز مطالعه می‌کند و هدف از این سه جنبه، تلاش برای یافتن و شرح علت پدیده سالمندی است.

سالمندی از دیدگاه زیست‌شناختی

یعنی تغییرات بیولوژیک که در نحوه زیست ارگانیسم طی دوره حیات اتفاق می‌افتد.

سالمندی از دیدگاه روان‌شناختی

سالمندی از این دیدگاه، براساس رشد احساسات، عواطف و هیجانات شخص تعیین می‌شود. فرایند سالمندی روان‌شناختی شامل تغییر در شخصیت و عملکرد ذهنی است.

سالمندی از دیدگاه جامعه‌شناختی

براساس تغییر نقش‌پذیری فرد در ارتباط با دیگر اعضای جامعه تعیین و در دو سطح خرد و کلان بررسی می‌شود (شورای ملی سالمندان، ۱۳۹۹، ص ۳۴).

مفهوم مسئولیت

عهده‌داری کار یا تکلیفی را مسئولیت گویند (راغب اصفهانی، ۱۹۸۶م، ص ۴۳۷). مسئولیت، در معنای لغوی، از معنای پاسخ‌گوبودن مشتق می‌شود و در اصطلاح، یعنی تعهد قانونی شخص به دفع ضرر دیگری که وی به وجود آورده است، خواه



ناشی از تقصیر خود وی باشد یا از فعالیت او ایجاد شده باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۴: ص ۱۲۳).

مسئولیت اخلاقی

یکی از مباحث و مسائل اساسی فلسفه اخلاق در عصر حاضر، مسئولیت اخلاقی^۱ است. پیشینه مبحث مسئولیت اخلاقی را می توان در قالب مباحث «وظیفه و الزام» مشاهده کرد.

ظاهراً ارسطو (۳۴۸-۳۲۳ قبل از میلاد) نخستین کسی است که به صراحت نظریه «مسئولیت اخلاقی» را بنا نهاده است. وی در *اخلاق نیکوماخوس*، طی بحث از فضایل انسانی و رذایل هم تراز با آنها، درباره تشخیص مبانی و شالوده ها تأمل می کند. او با جمله ای کوتاه، مبحث مسئولیت اخلاقی را این گونه شروع می کند: «واکنش و پاسخ (ستایش یا سرزنش) به فرد در برخی مواقع مناسب است که براساس اعمال و رفتار و خلق و خوی اش صورت پذیرد» (اشلمن، ۱۳۸۴-۱۳۸۵: ص ۱۱۱).

کمی بعد، او مشخص می کند که تنها نوعی خاص از افراد برای عهده دار شدن این مسئولیت مناسب اند؛ یعنی کسانی که توانایی تصمیم گیری دارند. تصمیم برای ارسطو نوع ویژه ای از میل و خواسته است که از اندیشه و تأمل ریشه می گیرد و بیانگر تصور و ادراک شخص از خوب و بد است.

بقیه مبحث ارسطو درباره شرایطی است که شخص در آن شرایط، به خاطر اعمالی که انجام می دهد یا به خاطر خصلت های ویژه ای که دارد، سزاوار ستایش یا سرزنش خواهد شد (همو، همان).

برای اصطلاح «مسئولیت اخلاقی» تعاریف گوناگونی ارائه شده است؛ مانند: «مسئولیت اخلاقی همانند هر مسئولیتی مبتنی بر وظایف اخلاقی است؛ زیرا مسئولیت



1. moral responsibility

همیشه با وظیفه برابر می‌نشیند. پس می‌توان گفت مسئولیت اخلاقی، تعهدی است در برابر وظایف اخلاق.» (حلی، ۲۰۱۶م، ص ۳۲۲).

مسئولیت اخلاقی، پاسخ‌گویی به دلایل عمل است و رابطه بین عمل و دلیل عامل اخلاقی را تبیین می‌کند. مسئولیت اخلاقی و پاسخ‌گویی به دلایل، متضمن تبیین دو پرسش است: ۱. مسئولیت اخلاقی در قبال چه چیزی؟ در قبال عمل انسان (که سه حالت دارد: انجام دادن عمل، ترک آن و پیامدهای انجام یا ترک آن)؛ ۲. مسئولیت اخلاقی در قبال چه کسی؟ در قبال خداوند، انسان‌ها و جهان. با توجه به مبانی توحیدی علامه طباطبایی، مسئولیت نوع اول، نامشروط است و بنیان انواع دیگر به حساب می‌آید (نک: طباطبایی، ۱۴۲۸ق).

مسئولیت اخلاقی و انواع آن در شرایط مشخصی اثبات می‌شود که عبارت‌اند از: علم، قدرت و اختیار. از یک سو، اعتباریات آدمی از جمله اعتبار مسئولیت اخلاقی، از الزامات زیستی و ضروریات اجتماعی ناشی می‌شود و از سوی دیگر، اعتباریات تابع ارزش‌ها و غایات آدمی است و این ارزش‌ها و غایات، متأخر از نیازهاست. بنابراین، مسئولیت اخلاقی، هم پاسخی به ضروریات افعال و اعمال اخلاقی و لوازم آنهاست و هم پاسخی به غایات و اهداف اخلاقی حیات اجتماعی. مسئولیت اخلاقی، همانند دیگر اعتباریات، یک خط رابط میان الزامات اجتماعی و غایات اخلاقی است. این روابط نشان می‌دهد اعتباریات به‌طور کلی و مسئولیت اخلاقی به‌طور خاص پیچیده است (حبیبی و اکبری، ۱۳۹۳، ص ۲۵).

قلمرو مسئولیت اخلاقی

حیطه مسئولیت اخلاقی انسان کدام یک از افعال او را شامل می‌شود؟ برای تشخیص قلمرو مسئولیت اخلاقی، چنان‌که در معنای مسئولیت اخلاقی به وظیفه اخلاقی توجه دادیم، در اینجا نیز باید به وظایف اخلاقی انسان توجه کنیم؛ در مکاتب اخلاقی مختلف با توجه به حوزه‌های مختلف اخلاقی، وظایف اخلاقی انسان مشخص



می‌شود. مکاتب اخلاقی غیردینی، حوزه‌های اخلاقی را به سه دسته فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم می‌کنند؛ در نتیجه، تکالیف و وظایف اخلاقی به سه دسته تکالیف اخلاقی در رابطه با خود، دیگران و محیط‌زیست تقسیم می‌شود و از آنجا که مسئولیت اخلاقی با وظیفه اخلاقی هم‌نشین است، قلمرو مسئولیت اخلاقی نیز به سه دسته مسئولیت در برابر خود، دیگران و محیط‌زیست وسعت می‌یابد. اما در اخلاق دینی و با در نظر گرفتن ایمان، تکالیف اخلاقی فرد از این سه حوزه فراتر رفته و فرد علاوه بر وظایف اخلاقی در برابر سه حوزه پیشین، در برابر خداوند نیز دارای تکالیف اخلاقی می‌شود (آزاد و عالم‌زاده، ۱۴۰۰، ص ۲).

موانع و مشکلات مراقبت از سالمندان در جوامع امروزی

خانواده به‌عنوان یکی از نخستین نهادهای اجتماعی، شالوده حیات جامعه را با عملکردهای متعددی مانند فعالیت‌های اقتصادی، تربیتی و مراقبتی بنیاد می‌گذارد. از جمله عملکردهای مهم خانواده، ایفای نقش مراقبتی و حمایتی از سالمند است. اعضای خانواده که به‌وضوح بیشترین نقش را در امر حمایت و مراقبت از سالمند دارند، می‌توانند بنیان‌گذار افزایش ارتباطات عاطفی بین خود و سالمند باشند و در راستای آن، افزایش رضایتمندی خانواده را حاصل کنند (زارعیان و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۴۷).

نقش محوری خانواده در مراقبت از سالمند باعث بهبود وضعیت سلامت سالمند می‌شود؛ اما دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی، فناورانه و پیشرفت‌های علمی که زمینه‌ساز رشد سالمندی در جامعه هستند، به دگرگونی ارزش‌ها و سنت‌های دیرین و جایگزینی ارزش‌های جدیدی منجر شده است که مراقبت از سالمند را در خانواده دچار مشکل می‌کند.

مشکلات فردی اعضای خانواده و عوامل تضعیف‌کننده شرایط اجتماعی و خانوادگی آنان در مراقبت از سالمند، مبین ضعف زیرساخت‌های نظام سلامت



خانواده و بهره‌برداری ناکافی از ظرفیت‌های موجود برای حمایت از خانواده در مراقبت از سالمند است (همان، ص ۱۵۵).

نگهداری از سالمندان برای اعضای خانواده و مراقب اصلی وی، مشکلاتی مانند افسردگی و اضطراب، کاهش حمایت اجتماعی، محدود شدن اوقات فراغت، مشکلات بین‌فردی، آشفتگی در نقش‌های خانوادگی و شغلی، کاهش عزت‌نفس و هیجانات منفی از قبیل خشم، ناکامی و مشکلات روان‌شناختی دیگری از این قبیل ایجاد می‌کند (محمدقشقای، ۱۳۹۵، ص ۶).

روابط با والدین معمولاً با بسیاری از مسائل پیچیده زناشویی، مانند تعیین مقدار مناسب زمان صرف‌شده در خانواده گسترده، تصمیم‌گیری درباره دخالت در شرایط بهداشتی والدین و ایجاد مرز بین خانواده هسته‌ای و خانواده اصلی هریک از همسران، در ارتباط است (آقاجانی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۰۰-۱۰۳).

افراد متأهلی که از والد(ین) سالمند خود مراقبت می‌کنند، در چهار حوزه، تعارضات بین‌فردی را تجربه می‌کنند: تعارضات همشیری (آن دسته از مشکلاتی که بین خواهران و برادران به‌خاطر مراقبت از والد سالمند ایجاد می‌شود)، تعارضات زناشویی، تعارضات والد-فرزندی و تعارضات فرزند-والدی. هریک از این تعارضات زیرمقوله‌هایی دارند که در واقع بر ماهیت و شکل بروز تعارضات دلالت می‌کنند.

والدین سالمند اغلب در وضعیتی قرار دارند که ضمن ناتوانی و نیازمندی به مراقبت، کاملاً منفعل نیستند و خواهان نوعی خودمختاری هستند و گویا نمی‌خواهند اقتدار پیشین خود را از دست بدهند؛ بنابراین، بین فرزندان و والدین مشکلات و کشمکش‌هایی ایجاد می‌شود (همان، ص ۱۲۴-۱۳۰).





نیازها و انتظارات اساسی والدین سالمند از فرزندان خود

افراد سالمند به دلیل کهنسنت جسمی و روحی به حمایت و همراهی اعضای خانواده احتیاج دارند. به طور کلی می توان نیازها و انتظارات سالمندان از فرزندان و مراقبان دیگر را به چهار دسته اصلی تقسیم کرد. این دسته بندی بسیار کلی است و تقریباً همه موارد را شامل می شود:

۱. مراقبت جسمانی و تأمین نیازهای بهداشت جسمی سالمندان

تأمین تغذیه مناسب و سازگار با وضعیت جسمانی سالمندان، کمک به سالمندان در مصرف داروها و مراقبت اولیه از آنان، پذیرش و تحمل مشکلات جسمانی سالمندان و کمک به سالمندان در انجام امور بهداشت فردی؛

۲. حمایت اجتماعی و احترام به شأن و جایگاه سالمندان

پذیرش سالمند به عنوان عضوی از خانواده، دیدار زود هنگام و پیوسته با سالمندان؛ احترام به منزلت اجتماعی سالمندان؛ همدلی و همدردی با سالمندان و سهم کردن سالمندان در اداره امور خانواده؛

۳. حمایت عاطفی و حفظ حریم شخصی سالمندان

حفظ و تقویت روحیه مثبت نگری و اعتماد به نفس سالمندان، حفظ و تقویت زمینه های عزت نفس سالمندان، حفظ و تقویت استقلال و خودمختاری سالمندان، جلب اعتماد و حفظ اطمینان خاطر سالمندان و ایجاد فضایی گرم و صمیمی برای سالمندان؛

۴. حمایت مالی و تأمین هزینه های اساسی زندگی سالمندان

تأمین مخارج اولیه زندگی سالمندان، نگهداری از دارایی ها و سرمایه مالی سالمندان، سهم کردن سالمندان در فعالیت های اقتصادی مشترک خانوادگی،

احترام به نظر و تصمیم سالمند درباره نحوه تقسیم میراث شخصی خود و واگذاری درآمدهای شخصی سالمندان به خودشان (نوری و فارسی، ۱۳۹۷، ص ۲۷۲-۲۷۴).

ادله و آموزه‌های دینی مسئولیت در برابر سالمندان

در قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام توصیه‌هایی درباره رفتار با سالمند ارائه شده است. این توصیه‌ها نقش راهبردی دارند و جهت‌گیری کلی معصومان علیهم‌السلام را در این باره نشان می‌دهند (بهرامی و رضانی، ۱۳۸۸، ص ۷۴). رفتار با سالمند نیز باید براساس این جهت‌گیری طراحی شوند.

چگونگی رفتار با سالمندان

در آموزه‌های اسلامی درباره نحوه رفتار با سالمندان سه راهبرد اساسی مطرح شده است: «توقیر، تکریم و اجلال» (همان‌جا). توقیر، در لغت، به معنی تعظیم و احترام، بزرگداشت و حرمت نگاه‌داشتن است (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل توقیر). وقتی گفته می‌شود سالمندان را توقیر کنید، یعنی با طمأنینه، آهستگی و با حوصله با ایشان رفتار کرده، از رفتار تند و خشن با او پرهیز کنید. در این صورت، رفتار احترام‌آمیز و نگاه‌داشتن حرمت سالمند شکل می‌گیرد (بهرامی و رضانی، ۱۳۸۸، ص ۷۴).

احترام و ارج نهادن به کسانی که عمری را در پایبندی به اسلام و احکام متعالی آن سپری کرده‌اند، بزرگداشت خداوند است؛ پس اگر ما به پیرمرد مسلمانی به‌خاطر مسلمان بودنش و برای اینکه عمری را در راه اسلام سپری کرده، احترام بگذاریم، به خداوند احترام گذاشته‌ایم.

جا دارد اشاره کنیم پاره‌ای از ارزش‌هایی که در جوامع اسلامی معتبر است، در جوامع غیراسلامی نیز محترم شمرده می‌شود؛ اما ملاک‌ها متفاوت‌اند. احترام به





بزرگ ترها ارزشی است که کم و بیش در همه جوامع انسانی رایج است. این ارزش در جوامعی که بینش اسلامی و الهی ندارند، جزو آداب و رسوم تلقی می شود و نمی توان برای احترام نهادن به سال خوردگان، ملاک ثابت و صحیحی پیدا کرد؛ اما در نظام ارزشی اسلام، اعتبار این قبیل ارزش ها، ملاک معقول و پایه و ریشه ای ثابت و محکم دارد.

در همه جوامع به پیران احترام می گذارند، اما در نظام اسلامی، احترام به پیران مسلمان، ویژگی خاصی دارد و احترام به ایشان از آن رو است که نمودار یک عمر عبودیت خداوند هستند.

پس باید توجه داشت که اگر در آیات و روایات از ارزش هایی سخن به میان آمده که در نظام های ارزشی دیگر نیز بزرگ داشته شده اند، به این معنا نیست که ارزش شناخته شده در اسلام همان ارزش معتبر نزد دیگران و با همان ملاک است، بلکه ملاک آن ارزش در اسلام ممکن است بسیار متفاوت با ملاک آن نزد دیگران باشد؛ ملاک آن ارزش در اسلام بسیار عالی تر و لطیف تر است.

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره بازتاب و دستاورد اخروی احترام به سال خورده مسلمان فرمودند:

«مَنْ وَفَّرَ ذَا شَيْبَةٍ فِي الْإِسْلَامِ أَمَنَهُ اللَّهُ مِنْ فَرْعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ كَسَى كَسِيًّا مَسْلَمَانِي رَا تَوْقِيرًا وَ تَجْلِيلًا كُنْد، خَدَاوَنْدَاو رَا از ترس روز قیامت ایمن می دارد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷: ص ۲۰۲).

آیین اسلام، آیین مودت و محبت است؛ آیین مهرآفرینی که پیروان خود را به برادری و محبت دعوت می کند و از آن ها می خواهد در راستای ایجاد صمیمیت و یگانگی، کدورت ها و ناراحتی ها را بزدايند و سعی کنند با سخنان محبت آمیز، سایه رحمت الهی را بر سر خود مستدام دارند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بِكَلِمَةٍ يُلَطِّفُ بِهَا وَ فَرَّجَ عَنْهُ كَدْبَتَهُ، لَمْ يَزَلْ فِي ظِلِّ اللَّهِ الْمَمْدُودِ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ مَا كَانَ فِي ذَلِكَ؛ كَسَى كَسِيًّا مَسْلَمَانِي رَا تَوْقِيرًا وَ تَجْلِيلًا كُنْد، خَدَاوَنْدَاو رَا از ترس روز قیامت ایمن می دارد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷: ص ۲۰۲).



مودت آمیز خویش احترام کند و غم او را بزدايد، تا اين سجيّه و خصيصه در او باقى است، پيوسته در سايه رحمت خداوند است» (مجلسى، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ص ۸۴).
پس بایسته است به بزرگانى که عمرى را در اسلام گذرانده‌اند و محاسنشان سفید شده، احترام بگذاريم؛ حتى اگر معلومات آنها در حد معلومات ما نباشد؛ چراکه ما نمى‌دانيم سمنان به آنها مى‌رسد يا اگر به سن آنها برسيم، دينمان را حفظ مى‌کنيم يا نه (مصباح يزدي، ۱۳۹۴، ص ۱۶۷-۱۶۸).

اکرام

اکرام از ريشه «کَرَم» است به معنى گرامى داشتن، مروت، بزرگى، احسان، احترام کردن (دهخدا، ۱۳۷۲، ذيل اکرام). وقتى گفته مى‌شود سالمندان را اکرام کنيد، يعنى ايشان را عزيز و گرامى بداريد، حرمتشان را حفظ کنيد و حقوقشان را رعايت کنيد.

امام صادق عليه السلام فرمودند:

«از ما نيست كسى كه احترام نكند سالمند ما را و مهر نوزد با خردسال ما» (مجلسى، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ص ۹۳).

«از مانيست» يعنى مؤمن كامل نيست يا شيعه راست گو نيست. بسا كه مراد از بزرگى و خردى، نسبى باشد؛ يعنى لازم است هر كسى بزرگ تر از خود را اکرام كند و به خردسال مهر بورزد؛ اگرچه اختلاف سنى كم باشد.

پيامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«بزرگ شمارید سالمندان خود را و صله رحم کنيد و صله‌ای بهتر از این نيست که از آزار آنها خودداری کنيد» (همان، ج ۷۲: ص ۱۳۸).

همچنين فرمودند:

[يك مصداق] احترام نهادن به من، احترام نهادن به سال خورده امت من است» (خطيب بغدادى، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ص ۱۸۱).



دستوراتی که در آموزه‌های دینی برای اکرام و احترام سالمندان آمده، عبارت‌اند از: حرمت نگاه‌داشتن، مروت و بزرگی در یاری‌رساندن، پرهیز از تحقیر و تمسخر و کم‌توجهی.

اجلال

اجلال، در لغت، یعنی بزرگ و محترم‌داشتن، گرامی‌داشتن، بزرگ‌شمردن و تعظیم (معین، ۱۳۷۱، ذیل اجلال).

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«بَجَلُّوا الْمَشَاحِخَ فَإِنَّ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ تَجْجِيلَ الْمَشَاحِخِ؛ پیران را تجلیل کنید، زیرا احترام به بزرگسالان تجلیل از خداست» (حر عاملی ۱۴۱۴، ج ۱۲: ص ۱۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲: ص ۱۳۶).

امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل فرمودند:

«مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ إِجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ؛ تجلیل مسلمان پیر، تجلیل خداست» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ص ۹۸؛ معین‌الدین شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۵: ص ۵۴۴؛ کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ص ۱۶۵).

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِجْلَالِ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ؛ از احترام خدای عزوجل، احترام پیرمرد سالمند است» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ص ۶۵۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ص ۹۷).

توصیه‌های مستخرج از احادیث برای تبجیل و بزرگ‌شمردن سالمندان عبارت‌اند از: ندادن نسبت ناروا به بزرگسالان، باز کردن جا در مجلس هنگام ورود آنان، پیشی‌نگرفتن از آن‌ها هنگام راه‌رفتن مگر شب به خاطر تاریکی، تاری دید و خطرات احتمالی. در آیات و روایات اسلامی، سفارش‌های زیادی درباره نحوه رفتار با

سالمندان آمده است. راهبردها و روش‌های مستخرج از این آموزه‌های دینی عبارت‌اند از:

احسان به والدین، شکر، رفتار همراه با بزرگواران.

احسان به والدین از دستورهای اکید خداوند و پیشوایان دین است. واژه «احسان» از ریشه «حُسن» است و با مشتقاتش، ۳۴ بار در قرآن کریم آمده است. توجه به بررسی موارد استعمال این کلمه در قرآن کریم چنین به نظر می‌رسد که این کلمه دارای سه معنای کاربردی زیر است:

خوبی و نیکی به دیگران

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾؛ آیا جزای نیکوکاری، جز نیکوکاری

است؟ (الرحمن، ۶۰).

البته در این آیه، کلمه احسان دو بار و به توالی به کار رفته است. بار اول، احسان به معنی مطلق رفتار نیک انجام دادن است. بار دوم، احسان در معنا و مفهومی به کار رفته است که در اینجا در صدد بیانش هستیم؛ یعنی انعام و نیکی به غیر. به همین دلیل، برخی از مفسران به استناد همین آیه گفته‌اند پاداش الهی در قیامت بیش از عمل انسان در دنیا خواهد بود؛ زیرا تفاوت عدل و احسان این است که در عدل، جزا و پاداش به اندازه عمل است، اما در احسان، پاداش و جزا بیش از عمل و رفتار است.

راغب می‌گوید که احسان چیزی برتر از عدالت است؛ زیرا عدالت این است که انسان آنچه بر عهده اوست بدهد و آنچه متعلق به اوست بگیرد؛ ولی احسان این است که انسان بیش از آنچه وظیفه اوست انجام دهد و کمتر از آنچه حق اوست بگیرد (راغب، ۱۹۸۶م، ص ۲۳۶-۲۳۷).





انجام دادن کار به نحو نیکو

همچنان که در قرآن کریم آمده است:

﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَغْزُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ يٰ أَحْسَانٍ﴾؛ طلاق دو بار است. پس

از آن یا باید او را به طور شایسته نگاه داشت یا به نیکوی رها کرد» (بقره، ۲۲۹).

«تسریح به احسان» یعنی رها کردن زن به نحو شایسته و نیکو انجام گیرد و همراه با اذیت و آزار نباشد و به عبارت روشن تر، این کار به نحو احسن و خوب انجام گیرد.

انجام کار نیک و عمل صالح

در آیه ۱۰ سوره زمر آمده است:

﴿قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ﴾؛

بگو ای بندگان مؤمن از پروردگارتان پروا کنید، برای کسانی که در این دنیا نیکوی

کنند [و اعمال صالح انجام دهند]، پاداش نیکوست».

در این آیه، «احسان» برای انجام عمل صالح و نیکو و بروز رفتارهای شایسته به کار رفته است.

همچنین در سوره انعام آمده است:

﴿ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ﴾؛ به موسی کتاب آسمانی

دادیم، برای تکمیل نعمت بر کسی که نیکوی [و اعمال صالح] انجام داده بود»

(انعام، ۱۵۴).

در این آیه، اعطای کتاب آسمانی به خاطر انجام رفتار نیک و اعمال صالح از

سوی حضرت موسی یا پیروان او (بنابر اختلاف تفاسیر) ذکر شده است (روحانی،

۱۳۶۶-۱۳۶۸، ج ۱: ص ۴۰۶ و ج ۲: ص ۷۳-۷۵).

تعبیر قرآن کریم و روایات در این باره فراوان و تا حدی شگفت‌انگیز است. در

چهار آیه شریفه، پس از امر به توحید که اصل و اساس دعوت همه انبیای الهی

است، احسان به والدین سفارش شده است.

مانند آیه ۲۳ سوره اسراء که می فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾؛ پروردگارت مقرر

داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید.

از دیگر مصادیق احسان به والدین این است که فرزندان در حق آنان دعا کرده، از خداوند برای آنان طلب رحمت نمایند. قرآن کریم می فرماید: ﴿...وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾؛ و بگو ای پروردگار من، همچنان که مرا در خردی پرورش دادند، بر آنها رحمت آور» (اسراء، ۲۴) و دعای ابراهیم علیه السلام را در حق والدین خود این گونه بیان می کند: ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾؛ پروردگارا، مرا و پدر و مادرم و همه مؤمنان را در روزی که حساب برپا می شود، ببخش و بیامرز» (ابراهیم، ۴۱).

حضرت نوح علیه السلام نیز این گونه در حق والدینش دعا می کند: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ؛ ای پروردگار من، مرا و پدر و مادرم را و هر که را با ایمان به خانه من وارد شود و نیز مردان و زنان مؤمن را بیامرز» (نوح، ۲۸).

احسان در روایات

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«هر کس در انجام حاجات برادر دینی اش بکوشد، مثل آن است که هزار سال، خداوند را عبادت کرده است؛ به این ترتیب که روزها را روزه گرفته و شبها را به نماز ایستاده باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱: ص ۳۱۵).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«خدا را به خدا بشناسید و رسول را به رسالتش و صاحبان فرمان را به امر به معروف و دادگری و نیکوکاری بشناسید» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ص ۸۵).

همچنین ایشان فرمودند:





«یاری کردن مالی، بهترین عمل است و نیکوترین احسان و بخشش، کمک مالی به برادران مؤمن است» (طبرسی، بی تا، ج ۷: ص ۲۱۰) و نیکی به والدین را از بزرگ‌ترین واجبات (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ص ۳۱۲) و از بهترین خصلت‌ها دانستند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ص ۷۶ و ج ۷۷: ص ۲۱۲). امام رضا علیه السلام نیز فرمودند: «به کارگیری عدل و احسان و نیکویی موجب دوام و باقی ماندن نعمت می‌شود» (طبرسی، بی تا، ج ۱۱: ص ۳۱۷).

از تکالیف فرزندان در قبال والدین، اطاعت از ایشان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند:

«العبد المطیع لوالديه و لربه فی اعلیٰ علیین؛ بنده‌ای که مطیع پدر و مادر و پروردگارش باشد، روز قیامت در بالاترین جایگاه است» (متقی، ۱۴۰۱، ج ۳: ص ۱۷۹، ح ۶۰۵۰).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«کسی که دستور الهی را درباره پدر و مادر اطاعت کند، دو در از بهشت به رویش باز خواهد شد. اگر فرمان خدا را درباره یکی از آنها انجام دهد، یک در گشوده می‌شود» (همان، ج ۱۶: ص ۴۶۷).

امام سجاد علیه السلام در دعای ۲۴ صحیفه سجاده فرمودند:

«اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي وَ أَنْبَهُمَا عَلَيَّ تَكْرِمَتِي وَ احْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظْتَهُ مِنِّي فِي صِغَرِي ... فَهَمَا أَوْجِبُ حَقًّا عَلَيَّ وَ أَقْدِمُ إِحْسَانًا إِلَيَّ وَ أَعْظَمُ مِنِّي لَدَيْكَ مِنْ أَنْ أُفَاضَهُمَا بِعَدْلٍ أَوْ أُجَازِيَهُمَا عَلَيَّ مِثْلًا؛ خدایا، آنان را به پاس پرورش من، پاداش بخش و در برابر گرامیداشت من، جزا عنایت فرما و هرچه را در کودکی ام به من روا داشتند، در حق آنان روا دار. حق آنان بر من، از حق من بر آنان، واجب‌تر و احسانشان به من پیش‌تر و دیرین‌تر و نعمتشان به من، عظیم‌تر از این است که براساس عدالت، کارشان را تلافی کنم یا با آنان مانند آنچه با من رفتار کردند، رفتار کنم».

در این فراز به نکته‌های اخلاقی و انسانی تکریم سالمندان اشاره شده است. براساس اقتضای حکم اخلاقی، اگر کسی هنگام نیاز و ناتوانی‌ها به انسان نیکی و احسان کند، باید نیکی و احسان او را به صورتی بهتر یا دست کم به اندازه‌ای که او نیکی کرده، جبران کرد.

بدیهی است چنان که در این فراز اشاره شده است، هیچ کس مثل پدر و مادر به انسان نیکی و احسان نمی‌کند؛ بنابراین، اگر کسی نخواهد به حکم وظیفه شرعی به پدر و مادر سالمندش کمک کند، براساس حکم عقلی و اخلاق انسانی باید به آن‌ها را مهر بورزد و در سنین کهولت و پیری، با آن‌ها نیکی و احسان کند تا دست کم محبت و خوبی‌ای که در زمان کودکی و نیاز فرزند در حق او کرده‌اند، جبران شود. اگرچه خوبی و محبت آنان جبران‌شدنی نیست، ولی در حد توان باید تلاش کرد با تکریم و پذیرش نگهداری از آن‌ها در خانه و در جمع خانواده، به یاری و توفیق الهی، کمی از خدمت‌هایشان را جبران کند (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵: ص ۱۷).

از مصادیق نیکی به والدین این است که انسان در برآوردن نیازهایشان بکوشد. امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسشی درباره چگونگی احسان به والدین، فرمودند:

«احسان به پدر و مادر این است که رفتار را با آن‌ها نیکو کنی و مجبورشان نکنی چیزی که نیاز دارند از تو بخواهند» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ص ۱۶۵)؛ یعنی باید پیش از آنکه درخواست کنند، حاجتشان را برآورده سازی.

سالمندان برای تقویت روانی خود به قدرشناسی نیاز دارند. مردم جامعه، به ویژه فرزندان باید از تلاش‌ها و فعالیت‌های سالمندان و سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی آنان برای نسل بعد و جامعه سپاسگزاری کنند. این امر، در عین اینکه بی‌بودجه و بدون ملال است، زمینه را برای دلگرمی و شادابی آن‌ها فراهم می‌سازد.

یکی از مهم‌ترین حقوق والدین، تشکر از آنان است. شکر، در لغت، به معنی شناخت احسان و نیکوکاری و انتشار آن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ص ۲۹۳) و



در اصطلاح، به معنی به یاد آوردن و شناخت نعمت‌های خدا و اظهار قلبی و زبانی و عملی آن‌هاست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۳: ص ۷۹).

خداوند در آیات قرآن کریم، عموم بندگان (بقره، ۱۵۲) و به‌طور خاص، پیامبران الهی (زمر، ۶۶) و مقربان در گاهش (لقمان، ۱۲) را به ادای شکر الهی امر فرموده و آن را لازمه ایمان و توحید بندگان دانسته و فرموده است:

﴿وَأَشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾؛ و خدا را سپاسگزاری کنید، اگر فقط او را می‌پرستید» (بقره، ۱۷۲).

همچنین خداوند، شکرگزاری را از ویژگی‌های بارز بندگان شایسته خود دانسته و نام آنان را قرین اوصافی چون «شکور» و «شاکر» گردانیده است (نحل، ۱۲۱؛ سبأ، ۱۳).

یکی از وظایف انسان، شکر منعم (نعمت‌دهنده) است و منعم حقیقی، خداوند متعال است که باید او را عبادت کرد. سرّ اینکه خداوند سبحان، احسان به والدین را بعد از عبادت خود ذکر کرده، آن است که بفهماند پدر و مادر نیز به انسان احسان کرده‌اند و شکر آنان نیز لازم است. تشکر از والدین در پایه‌ای از اهمیت قرار دارد که در قرآن کریم هم‌ردیف شکرگزاری از خداوند متعال بیان شده است:

﴿أَنْ أَشْكُرَ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾؛ مرا و پدر و مادرت را شکر گوی که سرانجام تو نزد من است» (لقمان، ۱۴).

بنابراین، هیچ‌کس بعد از خداوند متعال که همه نعمت‌ها از اوست، مانند والدین به انسان خدمت نکرده است؛ از این‌رو، شکر آن‌ها و احسان به آن‌ها لازم است.

مراتب مسئولیت اخلاقی

آیا مسئولیت اخلاقی در همه‌جا یک مرتبه و اهمیت دارد؟ به نظر می‌رسد عوامل تحقق مسئولیت اخلاقی باعث تشدید یا تضعیف مسئولیت اخلاقی می‌شوند. هرچه انسان از اختیار و آگاهی و قدرت بیشتری برخوردار باشد، مسئولیت اخلاقی او نیز



بیشتر می شود و هرچه از آزادی و آگاهی و قدرت او کاسته شود، مسئولیتش کمتر است. هرچه وظیفه اخلاقی مهم تر باشد، مسئولیت اخلاقی هم سنگین تر می شود؛ در نتیجه، در برخی از وظایف و درباره برخی از اشخاص، به دلیل جایگاه و تأثیر فعلشان، مسئولیت اخلاقی بیشتر است. از همین روست که در آموزه های دینی، برخی از افراد را دارای مسئولیتی فراتر از دیگران معرفی کرده اند:

﴿ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيَّنَةٍ يُصَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكُمْ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴾؛ ای همسران پیامبر، هر کس از شما مبادرت به کار زشت آشکاری کند، عذابش دوچندان خواهد بود و این بر خدا همواره آسان است» (احزاب، ۳۰) (آزاد و عالم زاده، ۱۴۰۰).

آیا مسئولیت اخلاقی نگهداری از والدین سالمند، شخصی است یا گروه ها و حاکمیت نیز متعلقان مسئولیت قرار می گیرند؟ در اسلام هر کسی علاوه بر اینکه به مصالح خودش می اندیشد و در برابر خودش مسئول است، در برابر دیگر افراد جامعه و هم نوعان خود نیز مسئولیت دارد. خداوند برای افراد دیگر، حقوقی را بر عهده آدمی گذاشته است که از جمله آنها این است که هر فرد متدین باید دغدغه هدایت و رستگاری دیگران را نیز داشته باشد.

دو وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر که در ردیف نماز و روزه و حج و جهاد قرار دارند، به خوبی اهمیت وظیفه و مسئولیت را نشان می دهند. البته سائل حقیقی در این نوع مسئولیت نیز خداوند است؛ زیرا او وظایفی را برای افراد در قبال یکدیگر تعیین کرده است؛ به همین دلیل، این مسئولیت در عرض مسئولیت در برابر خداوند نیست، بلکه در راستا و در شعاع آن قرار دارد. در واقع، براساس بینش توحیدی اسلام، ما معتقدیم همه مسئولیت ها، اعم از مسئولیت در برابر خود، دیگر افراد جامعه و حتی حیوانات و نباتات، از شئون و شاخه های مسئولیت در برابر خدا به حساب آمده، همگی در شعاع آن قرار دارند (مصباح یزدی، ۱۳۶۷، ص ۱۷۷).





بزرگان خانواده، گاهی والدین هستند که وظایف فرزندان در قبال آنان، نامحدود و دائم است و گاه بزرگان خاندان هستند که براساس وجوب صلهٔ رحم، احترام و تکریم مؤمنان سال خورده و بزرگان خانواده و برآوردن نیازهای آنان ضروری است.

در دیدگاه اسلامی، همهٔ انسان‌ها در مراقبت و حمایت از یکدیگر مسئولیت دارند و این تکلیفی است که بر عهدهٔ همهٔ اعضای جامعهٔ اسلامی نهاده شده است؛ در حدیث نبوی آمده است: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ...؛ بدانید که هر کدام از شما به منزلهٔ شبانی هستید و تمام شما دربارهٔ رعیت خود بازخواست می‌شوید. بنابراین، فرمانروای مردم دربارهٔ رعیت خود بازخواست می‌شود. مرد، سرپرست و مسئول خانواده‌اش است. زن، سرپرست اهل خانهٔ شوهر و فرزندانش و مسئول آنهاست و خدمتکار، عهده‌دار و مسئول مال آقای خود است. هان، همهٔ شما شبانید و تمام شما دربارهٔ رعیت خود بازخواست می‌شوید». در این روایت، نقش مراقبت و حمایت به عنوان نقشی اجتماعی، برای همهٔ مسلمانان تعیین شده است و همه در برابر آن باید پاسخ‌گو باشند (ورام، ۱۳۷۶، ج ۱: ص ۶).

در نظام ارزشی اسلام، احترام انسان‌ها به ارزش وجودی آنهاست و بزرگ‌سالان و ریش‌سفیدان در پیشگاه خداوند متعال، عزتمند هستند و جامعهٔ اسلامی به خاطر چنین عزتی، آنان را عزیز و محترم می‌شمرد. رسول خدا ﷺ جامعه را بر تکریم پیران سفارش می‌فرمود. انس بن مالک می‌گوید که رسول خدا ﷺ فرمود:

«ای انس... سال خوردگان مسلمین را احترام کن و بر کودکانشان رحم آور تا من و تو این‌طور با هم در روز قیامت وارد شویم و حضرت دو انگشت سبابه و شصت دست خود را جفت کردند» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ص ۱۵۶).

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«هرکس حرمت کهن سالی را بشناسد و او را بدین دلیل احترام کند، خداوند او را از فزاع قیامت ایمن دارد» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ص ۶۵۸، ح ۲) و نیز فرمودند: «از

جمله بزرگداشت خداوند، احترام پیر سفیدمحاسن مسلمان است» (ابن بابویه، ۱۳۹۳، ج ۱: ص ۱۸۹).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس بزرگان و سال خوردگان مسلمان را بزرگ نشمرد و بر کودکان رحم نیاورد، از ما نیست». براین اساس، می توان گفت پاسداری از مقام و شأن سالمندان و ترحم بر کودکان، از شروط مسلمانی و تشیع است (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۳: ص ۴۴۵). در اسلام، علاوه بر اینکه امنیت، دفاع در برابر دشمنان خارجی، برقراری عدل و ادای حق کسی که خدمتی به جامعه ارائه می دهد، از وظایف حکومت محسوب می شود، احسان یعنی خدمت به مستمندان و کسانی که از هر گونه توانایی برای خدمت به اجتماع بی بهره اند نیز جزو وظایف حکومت است؛ همان گونه که خداوند در قرآن می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...﴾؛ همانا خدا به عدل و احسان فرمان می دهد و به بذل و عطای خویشاوندان امر می کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی می کند و به شما پند می دهد. باشد که موعظه خدا را بپذیرید» (نحل، ۹۰) (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۳۶).

پیوندهایی که خداوند به برقراریشان دستور داده است، همان روابط اجتماعی انسان است که گاه با اهل خانواده است و گاهی با خویشاوندان و در بسیاری از موارد با افراد مختلف در جامعه. برقراری این روابط، فریضة الهی و واجب است و کسی که از این فرمان سرپیچی می کند بزرگ ترین زیان کار است؛ زیرا شناخت خوبی از صله رحم در قرآن پیدا نکرده است، امر الهی را اطاعت نکرده و وعده عذاب شامل حال اوست.

اسلام بر تحکیم پیوندهای خویشاوندی و استحکام روابط خانوادگی بسیار تأکید کرده و صله رحم و رسیدگی به بستگان را به عنوان ارزش الهی، واجب کرده دانسته است؛ به گونه ای که خدای متعال آن را در ردیف پرستش خویش قرار داده است.



نتیجه‌گیری

آنچه از مباحث این مقاله به دست می‌آید، عبارت‌اند از:

- اصل مسئولیت عمومی اسلامی دربارهٔ مراقبت از سالمندان در حدّ مقدور بر دوش همه است؛
- مسئولیت اصلی و اولیهٔ نگهداری از سالمند بر دوش خانواده و نزدیکان وی است؛
- وظایف فرزندان در قبال والدین، نامحدود و دائم است؛
- دولت هم در قبال سالمندان، وظیفهٔ مراقبتی دارد؛
- اصل کرامت سالمند نباید در جریان مراقبت از وی آسیب ببیند؛
- دامنهٔ این مسئولیت بیشتر دربارهٔ جنبه‌های سلامت جسمی سالمندان است. البته با توجه به نیازهای عاطفی آنان، مراقبت از سلامت روحی و عاطفی آنان نیز بسیار اهمیت دارد.



کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. آزاد، حجت‌الله و محمد عالم‌زاده نوری (۱۴۰۰)، «مسئولیت اخلاقی در باورمندی و فهم دین»، *دانشنامه پژوهش‌ها*، پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، B2n.ir/k66989
۳. آقاجانی، احمد و دیگران (۱۳۹۷)، «تعارضات بین فردی در متأهلین ملزم به مراقبت از والد سالمند خود»، *پژوهش‌های مشاوره*، دوره ۱۷، ش ۶۶، ص ۹۸-۱۳۷.
۴. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۶۲)، *الخصال*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۵. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۹۳)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
۶. اتکینسون، آر. اف. (۱۳۷۰)، *درآمدی بر فلسفه اخلاق*، ترجمه سهراب علوی‌نیا، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
۷. اشلمن، آندره (۱۳۸۴-۱۳۸۵)، «مسئولیت اخلاقی»، ترجمه علی بورونی، *مطالعات اخلاق کاربردی (اخلاق سابق)*، ش ۲-۳، ص ۱۰۶-۱۳۹.
۸. امام‌سجاد علیه السلام (۱۳۸۸)، *صحیفه سجادیه*، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: آرزوی دیدار.
۹. بهرامی، فاضل و عباس رضانی فرانی (۱۳۸۸)، «بهداشت روان سالمند در قرآن و حدیث»، *سالمند*، س ۴، ش ۱۱، ص ۷۰-۸۳.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۰)، *غرر الحکم و درر الکلم*، شرح جمال‌الدین محمد خوانساری، تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی محدث، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. تهرانی، علی (بی‌تا)، *شیعه در پیشگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام*، تهران: کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر (عج).



۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، *ترمینولوژی حقوق*، چ ۱۸، تهران: گنج دانش.
۱۳. حبیبی، سلیمان و رضا اکبری (۱۳۹۳)، «تیین فلسفی مسئولیت اخلاقی از دیدگاه محمدحسین طباطبایی»، *پژوهش‌های فلسفی کلامی*، ش ۶۲، ص ۷-۳۰.
۱۴. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ق)، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
۱۵. حلی، حسن‌ین یوسف (۲۰۱۶م)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم: مصطفوی.
۱۶. خطیب بغدادی (۱۴۱۲ق)، *الجامع لاخلق الراوی و آداب السامع و الفقیه و المتفقہ* (طبع ضمن «الجامع فی الحث علی حفظ العلم»)، تحقیق ابو عبدالله محمودبن محمد الحداد، قاهره: مکتبه ابن تیمیة.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه* (۱۳۷۳)، تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۹۸۶م)، *المفردات فی غریب القرآن*، استانبول: دار القهرمان للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۹. روحانی، محمود (۱۳۶۶-۱۳۶۸)، *المعجم الاحسائی لالفاظ القرآن الکریم*، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۰. زارعیان، آرمین و دیگران (۱۳۹۲)، «عوامل محدودکننده خانواده در مراقبت از سالمند»، *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، س ۲، ش ۲، ص ۱۴۶-۱۵۷.
۲۱. شورای ملی سالمندان (۱۳۹۹)، «سند ملی سالمندان کشور»، *دبیرخانه شورای ملی سالمندان*.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۲۸ق)، *رسالة التوحید در: مجموعه رسائل العلامة الطباطبایی*، تحقیق صباح الربیعی، قم: باقیات.
۲۳. طبرسی، حسین نوری (المحدث نوری) (بی تا)، *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام لاحیاء تراث.





۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرئی، بی جا: مؤسسة دارالهجرة.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹)، اصول کافی، ترجمه و شرح فارسی از محمدباقر کمره‌ای، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲۶. متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۱ق)، کنز العمال فی سنن الأفعال و الأفعال، تحقیق بکری حیانی و صفوة السقا، الطبعة الخامسة، بی جا: مؤسسة الرسالة.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. محمدقشقای، افشان (۱۳۹۵)، بار مراقبتی سالمند با ابعاد کارکرد خانواده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ.
۲۹. مصباح یزدی، مجتبی (۱۳۸۶)، فلسفه اخلاق: اندیشه‌های بنیادین اسلامی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۷)، دروس فلسفه اخلاق، تهران: اطلاعات.
۳۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴)، پاسخ استاد به جوانان پرسشگر، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۲. معتمدی، عبدالله (۱۳۹۹)، روان‌شناسی سالمندی، تهران: سمت، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی.
۳۳. معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، ج ۹، تهران: چاپخانه سپهر.
۳۴. معین‌الدین شیرازی (۱۳۸۷)، الكشف الوافی فی شرح اول الکافی (الشروح و الحواشی علی الکافی)، قم: دار الحدیث.
۳۵. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق)، الامالی، بیروت: دارالمفید.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.

۳۷. نوری، علی و سهیلا فارسی (۱۳۹۷)، «انتظارات سالمندان از فرزندان خود»، سالمند، دوره ۱۳، ش ۲، ص ۲۶۲-۲۷۹.
۳۸. ورام، مسعود بن عیسی (۱۳۷۶)، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر المعروف بمجموعه ورام، تهران: چاپ علی اصغر حامد.



References

1. *The Holy Quran*.
2. Aghajani, A. et al. (2018). "Interpersonal Conflicts of the Married People Obligated to Take Care of Their Old Parent". *Consulting Research*, 17 (66): 98-137.
3. Ashelman, Andre (2005-2006). "Moral responsibility". translated by Ali Boroni. *studies of applied ethics (former ethics)*, 2-3: 106-139.
4. Atkinson R. F. (1991). *An Introduction to Moral Philosophy*. Translated by Alavinia S. Tehran: Book Translation and Publishing Center.
5. Azad, H. & Alemzadeh Noori, M. (2021). "Moral Responsibility in Belief and Comprehension of Religion". *A Theological Approach*. Ethics and Spirituality Research Institute. Islamic Science and Culture Research Institute. <http://pajoohe.ir>
6. Bahrami, F. & Ramezani Farani A. (2008), "Mental health of the elderly in the Qur'an and Hadith". *Elder*, 4 (11): 70-83.
7. Dehkhoda, A. (2011). *Dictionary*. Tehran: University of Tehran.
8. Farahidi, Khalil bin Ahmad (1409 AH). Research by Mahdi al-Makhzoumi & Ibrahim al-Samrai. N. p: Dar al-Hijrah Institute.
9. Habibi, S. & Akbari, R. (2013). "Philosophical explanation of moral responsibility from the point of view of Mohammad Hossein Tabatabai". *Philosophical-Theological Researches*. 62: 7-30.
10. Helli, H. (2016). *Kashf al-Morad*. Qom: Mustafavi.
11. Horr Ameli, Muhammad ibn Hassan (1414 AH). *al-Wasael al-Shia, Qom: Al al-Bayt Institute* for the revival of heritage.
12. Ibn Babawayh (1983). *al-Khisal*. Researched by Qaffari. Qom: Jameatol Modaresin.
13. Ibn Babawayh (2014). *Thawab al-A'mal wa 'Iqab al-A'mal*. Qom: The Information and Cultural Institute of Tebyan.
14. Imam Sajad (Fourth Imam of Shi'a) (2009). *Sahifa Sajjadia*. Translated by Elahi Ghomshei. Tehran: Arezouye Didar.
15. Jafari Langroudi, M. J. (2007). *Legal Terminology*. 18th edition. Tehran: Ganj Danesh.
16. Khatib Baghdadi A. (1992). *al-Jami' li akhlaq al-rawi wa adab al-sami'*. Research by Hadad M. Cairo: EBN Timia.
17. Koleini M. (2000). *Usul al-Kafi*. Translation and Persian description by Kamarei. Tehran: Office of History and Islamic Studies.
18. Majlesi M. B. (1983). *Biḥar al-Anwar al-Jamiah li Durar Akhbar al-Aimmah al-Aṭhar*. 2nd edition. Beirut: Dar al-Ehya al-Torath al-Arabi.
19. Makarem Shirazi, Nasser (2006). *Morality in the Qur'an*. Qom: Madrasa al-Imam Ali bin Abi Talib.
20. Misbah Yazdi, M. (2007). *Moral Philosophy: Fundamental Islamic Ideas*. Qom: Publishing Center of Imam Khomeini Educational and Research Institute.
21. Misbah Yazdi, M. T. (1988). *Moral Philosophy courses*. Tehran: Etelaat.
22. Misbah Yazdi, M. T. (2015). *The teacher's answer to the questioning young people*. Qom: Publishing Center of Imam Khomeini Educational and Research Institute.
23. Mohammad Ghashghaei, A. (2016). *Elderly Care Burden with Dimensions of Family Functioning*. Master's Thesis. University of Science and Culture.
24. Moin, M. (2009). *Encyclopedic Dictionary*. Tehran: Amirkabir Publications.
25. Moinuddin Shirazi (2008). *al-Kashf al-Wafi fi Sharh Awal al-Kafi*. Qom: Dar al-Hadith.
26. Motamedi, A. (2017). *Psychology of Old Age*. Tehran: Samt, Humanities Research and Development Institute, Specialized Council of the Development and Promotion of Human Sciences.
27. Mufid (1993). *al-Amali*. Beirut: Dar al-Mufid.

28. Muttaqi, A. (1981). *Kanz al-Ummal fi Sunan al-Aqwal wa-al-Afal*. Research by Bekri Hayani & Safvat al-Saqa. 5th edition. N. p: al-Resalah Institute.
29. National Council of the Elderly (2020). "National document for the elderly of the country". *Secretariat of the National Council of the Elderly*.
30. Nouri, A. & Farsi, S. (2017). "The Elderly's Expectations from Their Children". *Elderly*. 13 (2): 262-279.
31. Ragheb Esfehiani (1986). *Vocabulary in the Strange Quran*. Dar al-Qahraman for Printing. Istanbul: Dar al-Qahraman.
32. Rouhani, Mahmoud (1987-1999). *Al-Maajam al-Ehsa'i le AlfaZ al-Qur'an*. Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing and Publishing Institute.
33. Tabarsi, Hossein Nouri (al-Muhadith Nouri) (n.d). *Mostadrak al-Wasail*, Qom: Al al-Bayt Institute Le Ehiya Torath.
34. Tabatabaei, M. H. (2008). Rasaleh al-Tawheed, in *Majmueh Rasaleh al-Allameh Tabatabaei*, researched by Sabah al-Rabi'i. Qom: Baqiyat.
35. Tamimi Amedi (1981). *Ghurur al-Hikam Wa Durar al-Kalim*. Research by al-Khansari & Hosseini al-Ormavi Mohadeth J. Tehran: University of Tehran.
36. Tehrani A. (n.d) *Shia in Quran and the Ahl al-Bayt*. Tehran: Valiasr Mosque Library.
37. Waram, Masoud Ibn Isa (1997). *Tanbiyeh al-Khwatar and Nozha al-Nawazir known as the collection of Warram*. Tehran: Ali Asghar Hamed.
38. Zareian, Armin et al. (2012). "limiting family factors in caring for the elderly". *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 2 (2): 146-157.